

ایران و مصر: از رقابت تا همکاری

دکتر اصغر جعفری ولدانی

به نزدیک تر شدن آنها به یکدیگر بینجامد. در این زمینه می توان به اشغال کویت از سوی عراق، پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل، تجدید روابط ایران با عربستان و بحران در روابط سوریه و ترکیه اشاره کرد. اما هیچ یک از این تحولات به برقراری روابط سیاسی میان دو کشور نینجامیده است. در این مقاله پس از بررسی تأثیر عوامل یاد شده در مناسبات ایران و مصر، خواهیم دید که مهمترین عاملی که مانع از برقراری روابط سیاسی میان دو کشور شده، مخالفت آمریکا بوده است.

جنگ ایران و عراق: افزایش دشمنی ها

از عواملی که به تیرگی مناسبات ایران و مصر دامن زد، موضع گیری مصر در جریان جنگ ایران و عراق بود. مصر از اینکه تجاوز عراق به ایران می توانست سدی در برابر گسترش انقلاب ایران باشد، بسیار خوشنود بود و در همان حال نگران بود که پیروزی عراق سبب افزایش قدرت و نفوذ آن کشور در منطقه شود و دولتهای عربی خلیج فارس ناگزیر شوند در مورد بیشتر مسائل، از سیاستهای نفتی گرفته تا درگیرهای اعراب و اسرائیل از

بیش از بیست و پنج سال از قطع شدن روابط سیاسی ایران و مصر می گذرد. در این سالها روابط سیاسی ایران با بسیاری از کشورها که قطع شده بود، با وجود چالشهای ژرف سیاسی - ایدئولوژیک از سر گرفته شده است. در این مورد می توان از تجدید روابط سیاسی ایران با اردن، عراق، الجزایر و عربستان یاد کرد. حتی با وجود تجاوز ۸ سال جنگ بین ایران و عراق و وارد شدن خسارات بسیار سنگین و صدها هزار کشته و زخمی، روابط سیاسی بین ایران و عراق برقرار شد و حتی رو به گسترش نهاد. اما روابط سیاسی ایران و مصر از سر گرفته نشد.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون ایران و مصر در مورد برخی مسایل منطقه با یکدیگر سخت چالش و رقابت داشته اند که برای نمونه می توان از یشتیبانی مصر از عراق در جنگ ایران و عراق، حمایت مصر از ادعاهای امارات عربی متحده در مورد جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، مشارکت آن کشور در ترتیبات امنیتی خلیج فارس و رقابت دو کشور در سودان را نام برد. از سوی دیگر، دو کشور درباره برخی مسایل منطقه مواضع یکسان داشته یا با یکدیگر همکاری کرده اند که این امر می توانسته

۱۹۸۶ نزدیک به ۱۸۶۰۰۰ نفر مصری در ارتش عراق خدمت می کرده‌اند. با وجود این، عراق درخواست دخالت مستقیم نظامی مصر را داشت که از سوی وزیر جنگ مصر رد شد. ولی حسنی مبارک، رئیس‌جمهوری مصر، در اواخر اکتبر ۱۹۸۳ به گونه‌ی رسمی اظهار داشت که «ایران باید این نکته را در نظر گیرد که ارتش مصر یک ارتش عربی است.» شمار مصریانی که از ۱۹۸۲ تا پایان جنگ به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند، کمابیش ۱۲۰۰۰ تن برآورد شده است.^۲

۴. فرستادن کارشناسان نظامی به عراق: از ۱۹۸۲ مستشاران و تکنیسین‌های مصری، بویژه کسانی که در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ خدمت کرده بودند، همکاری خود را با نیروی هوایی عراق آغاز کردند. اندک بهبود کارکرد نیروی هوایی عراق در اواخر جنگ، نتیجه حضور کارشناسان مصری در عراق بود، که در بخش نگهداری و تعمیر هواپیماها و نیز برنامه‌ریزی عملیات و تاکتیکهای نیروی دریایی مشارکت داشتند. همچنین کارشناسان

عراق پیروی کنند. از این رو مصر از اینکه عراق در سال ۱۹۸۱ درگیر نبردی انتقام‌جویانه شده بود، چندان هم ناراضی نبود. از آن گذشته، سادات از عراقی‌ها دل‌تنگ بود و آنها را به سبب نقش اساسی‌شان در منزوی ساختن مصر نمی‌بخشید.

رویدادهای جنگی در ۱۹۸۲ برای مصر شگفت‌آور بود. عراقی‌ها در دشت خوزستان، ۶۰ درصد نیروی جنگی خود را از دست داده و در برابر نیروهای تازه نفس ایرانی دچار شکست شده بودند. تا آنجا که به مصریان و اعراب خلیج فارس مربوط می‌شد، پیدایش بن‌بست در جنگ ایران و عراق در سایه‌ی از پا افتادن دو طرف، با شکست فاجعه‌آمیز عراق که می‌توانست به سرنگونی دولت بعثی و برپایی یک دولت شیعی در بغداد بینجامد، بسیار تفاوت داشت. از این رو روابط اقتصادی و نظامی مصر با عراق به سرعت گسترش یافت. کمکهای مصر دربرگیرنده موارد زیر بود:

۱. فرستادن جنگ‌افزار به عراق: مصر از ۱۹۸۴ سالانه یک میلیارد دلار جنگ‌افزار به عراق فرستاد که هزینه آنرا کویت و عربستان پرداختند.^۱ برخی از آنها ساخت مصر و برخی ساخت اتحاد جماهیر شوروی بود. از آنجا که بیشترین بخش از تجهیزات نظامی عراق ساخت شوروی بود و ارتش مصر نیز زمانی از جنگ‌افزارهای روسی بهره می‌گرفت، اهمیت کمکهای نظامی مصر به عراق روشن می‌شود. از سوی دیگر، فرستادن جنگ‌افزار به عراق باعث توسعه و شکوفایی صنایع تسلیحاتی مصر می‌شد.

۲. رفتن کارگران مصری به عراق: به علت نیاز شدید عراق به نیروی انسانی، شهروندان مصری بی‌هرگونه تشریفات برای گرفتن روادید و فارغ از مقررات گمرکی می‌توانستند به عراق بروند و بازگردند. برآورد می‌شود که در ۱۹۸۴ نزدیک به ۱/۵ میلیون کارگر مصری در عراق کار می‌کرده‌اند و سالانه از ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار به مصر می‌فرستاده‌اند.^۲

۳. فرستادن داوطلبان مصری به جبهه‌های جنگ: در ژوئیه ۱۹۸۲، پس از فتح خرمشهر، مصر قانونی را که برپایه آن خدمت در ارتش‌های بیگانه برای مصریان ممنوع شده بود، لغو کرد. به دنبال آن مصریان اجازه یافتند به گونه رسمی به ارتش عراق بپیوندند. برآورد می‌شود که در

○ پیش از بیست و پنج سال از قطع شدن روابط سیاسی ایران و مصر می‌گذرد. در این سالها روابط سیاسی ایران با بسیاری از کشورها که قطع شده بود، با وجود چالش‌های ژرف سیاسی - ایدئولوژیک از سر گرفته شده است. در این مورد می‌توان از تجدید روابط سیاسی ایران با اردن، عراق، الجزایر و عربستان یاد کرد. حتی با وجود تجاوز عراق به ایران و ۸ سال جنگ بین دو کشور و وارد شدن خسارات بسیار سنگین و صدها هزار کشته و زخمی، روابط سیاسی ایران و عراق برقرار شد و حتی رو به گسترش نهاد؛ اما روابط سیاسی ایران و مصر از سر گرفته نشد.

ایران و مصر افزود. با این حال بی‌درنگ پس از پایان گرفتن جنگ، ایران تلاش کرد روابط خود را با مصر بهبود بخشد. به نوشته روح‌الله رمضانی، پایان یافتن جنگ ایران و عراق، نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران در خاورمیانه بود.^۶ ایران در راستای نزدیک شدن به مصر، بعنوان کاری بشر دوستانه، اسیران مصری را آزاد کرد.

تجاوز عراق به کویت: نزدیکی ایران و مصر

گراهام فولر می‌نویسد اشغال کویت در اوت ۱۹۹۰ زمینه‌ساز برداشته شدن گامی بلند در راه نزدیکی بالقوه مصر و ایران بود.^۷ در واقع اشغال کویت از سوی عراق تهدیدی برای موقعیت منطقه‌ای مصر و ایران بود. چنانچه عراق در این زمینه به پیروزی می‌رسید، وضع ژئوپولیتیکی ایران و مصر به خطر می‌افتاد؛ از این رو تهران و قاهره با آن به مخالفت برخاستند و خواستار خروج نیروهای عراقی از کویت و آزادی و استقلال آن کشور شدند. مصر در این راستا حتی با فراتر نهادن نیروهای مصری در کنار نیروهای غربی برای آزادسازی کویت دست به کار شدند.

چنان که گفته شد، مصر در تجاوز عراق به ایران به آن کشور کمک کرد. کمکهای مصر و دیگر کشورها، جریان جنگ را در سالهای ۱۹۸۷-۸۸ به زیان ایران دگرگون کرد و سبب شد که عراق در پایان جنگ به گونه قدرتمندترین نیروی نظامی در جهان عرب درآید. این وضع، دو واکنش یکسره متفاوت یعنی ترس و غرور در مصر و دنیای عرب پدید آورد. عراق که از عضویت در شورای همکاری خلیج فارس بازمانده بود، شورای همکاری عرب را با مشارکت خود، اردن، مصر و یمن برپا کرد. به گفته یک نویسنده مصری، مصر می‌خواست با شرکت در این شورا جاه‌طلبیهای عراق را در خلیج فارس مهار کند و مانع از آن شود که عراق در امور بین عربی از مصر پیشی گیرد.^۸

با اشغال کویت در ۲ اوت ۱۹۹۰، می‌توان گفت که مصر در رسیدن به این هدف با شکست روبه‌رو شد. این واقعیت را در مخالفت خشمگینانه مصر در برابر اشغال کویت می‌توان دید. از دیدگاه مصر، اقدام عراق توازن قدرت در منطقه را به گونه چشمگیر به هم می‌زد و نقش مصر را محدود می‌کرد. در صورت پیروزی عراق در

○ از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون ایران و مصر در مورد برخی مسایل منطقه با یکدیگر سخت چالش و رقابت داشته‌اند که برای نمونه می‌توان از پشتیبانی مصر از عراق در جنگ ایران و عراق، حمایت مصر از ادعاهای امارات عربی متحده در مورد جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، مشارکت آن کشور در تریبات امنیتی خلیج فارس و رقابت دو کشور در سودان نام برد. از سوی دیگر، دو کشور درباره برخی مسایل منطقه مواضع یکسان داشته یا با یکدیگر همکاری کرده‌اند که این امر می‌توانسته به نزدیک تر شدن آنها به یکدیگر بینجامد.

نظامی مصر به مدت یک سال نیروهای عراق را برای پس گرفتن فاو آموزش می‌دادند. آنان در نزدیکی بغداد منطقه‌ای را با شرایطی نزدیک به موقعیت جغرافیایی شبه جزیره فاو ایجاد کرده بودند و در آنجا نیروهای عراقی زیر نظر کارشناسان نظامی مصر تمرین می‌کردند.^۹ همچنین مصر پذیرفته بود که ۴۰ تا ۶۰ خلبان جنگی را برای کمک به نیروی هوایی عراق بفرستد.

مصر از پیروزی احتمالی ایران در جنگ نگران بود. از دید مصر، پیروزی ایران گذشته از تأثیر درازمدت آن بر جنبشهای فعال اسلامی در مصر و در منطقه، توازن نیروها را در خلیج فارس و چه بسا در دریای سرخ برهم می‌زد. بنابراین، مصر به روشنی در تجاوز عراق به ایران در کنار آن کشور و دیگر کشورهای عربی خلیج فارس قرار گرفت. حسنی مبارک، رئیس‌جمهوری مصر، آشکارا گفت که: «میان امنیت مصر و امنیت خلیج فارس رابطه مستقیم وجود دارد و مصر به هیچ وجه شکست عراق و یا تهدید دولتهای خلیج فارس را تحمل نخواهد کرد»^{۱۰}

پشتیبانی مصر از عراق در جنگ، بر تیرگی روابط

خلیج فارس: میدان رقابت ایران و مصر

به نوشته گراهام فولر، مصر بیش از يك سده در خلیج فارس علائقی داشته است و همچنان بر این علائق پای خواهد فشرد. ۱۰ ثروت کشورهای حوزه خلیج فارس و فقر اقتصادی مصر در این زمینه نقشی بنیادی دارد. اقتصاد مصر سالها است که از نابرابری هزینه‌ها و درآمدها رنج می‌برد و پیوسته با بحران‌های اقتصادی روبرو است. مصر برای چیره شدن بر مشکلات اقتصادی خود نیاز به کمک کشورهای عربی در حوزه خلیج فارس دارد؛ از سوی دیگر، این کشور فرستنده نیروی متخصص و نیمه متخصص است و کشورهای خلیج فارس نیز از نیروی انسانی ماهر بی‌بهره‌اند.

از این رو رفتن نیروی کار مصر به کشورهای این منطقه فرصت‌های شغلی بسیاری برای مصریان پدید می‌آورد. مصر نزدیک به ۳ میلیون بیکار دارد که ۷۰ درصد آنان را دانش‌آموختگان تشکیل می‌دهند. اشتغال مصریان در حوزه خلیج فارس سالانه ۳/۵ میلیارد دلار به اقتصاد مصر کمک می‌کند. همچنین مصر جاذبه‌های جهانگردی چشمگیری برای گردشگران کشورهای خلیج فارس دارد. صنعت جهانگردی در آن کشور با درآمد ۴ میلیارد

اشغال کویت، مخالفت دولتهای خلیج فارس فروکش می‌کرد و امکان کمک آنها به مصر در صورت وتوی عراق، از میان می‌رفت. از سوی دیگر، مصر اشغال کویت را کاری گستاخانه می‌دانست که بی‌ثباتی گسترده‌ای در منطقه خلیج فارس پدید می‌آورد. گذشته از آن، با توجه به دشمنی دیرینه میان مصر و عراق، دو برابر شدن ثروت نفتی عراق و افزایش مرز ساحلی و نیروی عظیم نظامی آن کشور، عراق می‌توانست در نبرد قدرت در جهان عرب در برابر مصر پیروز شود و رهبری آن را که مورد ادعای مصر بود، به دست گیرد. بدین‌سان، حذف کویت از نقشه جغرافیا برخلاف منافع ملی مصر بود، و از همین رو در برابر عراق سخت ایستادگی کرد. از سوی دیگر، بحران خلیج فارس لطمه‌ای سنگین به اقتصاد مصر زد. این بحران نخست به کاهش توریسم و درآمدهای ارزی حاصل از آن شد و از سوی دیگر، به بازگشت صدها هزار کارگر مصری از عراق و کویت انجامید. خسارتهای مصر در این زمینه، کمابیش ۱/۵ میلیارد دلار برآورد شده است.

ایران نیز مخالفت خود را با اشغال کویت از سوی عراق نشان داد. چنانچه عراق می‌توانست کویت را به خاک خود ضمیمه کند، خطر بزرگی برای امنیت ملی ایران پدید می‌آمد؛ عراق با ضمیمه کردن کویت به خاک خود، بر سواحل خود در خلیج فارس می‌افزود و نیز با چنگ اندازی بر ذخایر نفت کویت (۱۰ درصد) دارنده بیش از ۲۰ درصد ذخایر نفت جهان با احتساب ذخایر خود می‌شد و پس از عربستان (با ۲۵ درصد) به صورت دومین کشور دارنده ذخایر نفتی در جهان درمی‌آمد و این مسئله‌ای بود که بر موقع ژئوپولیتیکی ایران سخت اثر می‌گذاشت و عراق را به قدرتی منطقه‌ای و رقیبی خطرناک برای ایران تبدیل می‌کرد.^۱

بدین‌سان، ایران و مصر با اشغال شدن کویت از سوی عراق، در برابر تهدیدهای همسان قرار گرفته بودند و در مخالفت با آن منافع مشترک داشتند. این مسأله ایران و مصر را به یکدیگر نزدیک‌تر کرد. در پی آن، روابط دو کشور رو به گسترش نهاد، حملات تبلیغاتی دو کشور متوقف و دفاتر حافظ منافع ایران و مصر در فوریه ۱۹۹۲ در قاهره و تهران بازگشایی شد.

○ مصر در دامن زدن به هیاهوی مربوط به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی در ۱۹۹۲ نقش بنیادی داشته است. آن کشور چه به تنهایی و چه در چارچوب نشستهای ۲+۶ و نیز در اتحادیه عرب بیشترین تلاش را در افشاندن تخم تنش و بارور کردن آن در منطقه کرد. مصر در جنجال بر سر جزایر سه گانه، نقش هماهنگ کننده و رهبری مخالفتها و اعتراض‌ها در برابر ایران را داشت و نخستین کشوری بود که پیشنهاد کرد برای تصرف جزایر باید به نیروهای خارجی متوسل شد.

است.

پشتیبانی مصر از امارات عربی متحده^۳

مصر در دامن زدن به هیاهوی مربوط به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی در ۱۹۹۲ نقش بنیادی داشته است. آن کشور چه به تنهایی و چه در چارچوب نشستهای ۲+۶ و نیز در اتحادیه عرب بیشترین تلاش را در افشاندن تخم تنش و بارور کردن آن در منطقه کرد. مصر در جنجال بر سر جزایر سه گانه، نقش هماهنگ کننده و رهبری مخالفتها و اعتراضها در برابر ایران را داشت و نخستین کشوری بود که پیشنهاد کرد برای تصرف جزایر باید به نیروهای خارجی متوسل شد.^{۱۱}

حسنى مبارك در این باره گفته است: «مشکل ایران با امارات یکی از موانع برقراری روابط میان دو کشور است که باید حل شود. این يك مسأله بسیار مهم برای مصر است.»^{۱۲} رسیدن سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران و تلاشهای وی برای نزدیکی بیشتر ایران به اعراب و بویژه به مصر، مواضع مصر را در مورد جزایر ایرانی تا اندازه ای تعدیل کرد و همین، سبب نگرانی مقامات امارات عربی متحده و اعتراض آنها شد به گونه ای که عمرو موسی وزیر امور خارجه مصر ناگزیر شد اعلام کند که: «بهبود روابط مصر و ایران به مفهوم نادیده گرفتن مواضع امارات در مورد جزایر تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی نیست و مصر همچنان از مالکیت امارات بر این جزایر حمایت می کند.»^{۱۳}

در مورد موضع مصر درباره جزایر ایرانی تنب و ابوموسی باید چند نکته را یادآور شد:

۱. برخلاف ادعای مصر، این جزایر متعلق به ایران است. اسناد و نقشه های رسمی دولت بریتانیا که در این مسأله دخیل بوده، بهترین گواه است.^{۱۴}
۲. دخالت مصر در این زمینه، دخالت در مسایل داخلی ایران و ادعاهای بی پایه قاهره، به معنای لطمه زدن به یکپارچگی سرزمین ایران است. دخالتها و ادعاهای پوچ مصر نه تنها برای ایران پذیرفتنی نیست، بلکه کمکی هم به صلح و ثبات منطقه نمی کند.
۳. موضع مصر، در زمینه جزایر سه گانه ایرانی، برخلاف موضع آن کشور در ۱۹۷۱ یعنی هنگامی است که این جزایر به ایران بازگشت. مصر در آن

دلاری در سال، برای اقتصاد بیمار مصر حائز اهمیت بسیار است. نیمی از این درآمد از گردشگران کشورهای خلیج فارس تأمین می شود.

از سوی دیگر، مصر یکی از کشورهای تأمین کننده جنگ افزار برای کشورهای خلیج فارس است. گذشته از آن، کارشناسان نظامی مصر، آموزش ارتش برخی از این کشورها را بر عهده دارند. همچنین کشورهای خلیج فارس بزرگترین واردکنندگان فرآورده های کشاورزی و دیگر فرآورده های صادراتی مصر هستند، در حالی که ایران نیز صادرکننده فرآورده های کشاورزی است و فاصله آن با این کشورها بسیار کمتر از فاصله مصر با آنها است. بنابراین، در این زمینه مصر رقیب ایران است. برخی از کشورهای خلیج فارس مانند امارات عربی متحده، عربستان و کویت سرمایه گذاری های کلان در مصر کرده اند.

مصر بیشتر در دوران زمامداری جمال عبدالناصر و حسنى مبارك سیاستی فعال در خلیج فارس داشته است. مصر در تحريك شيخ نشين ها در برابر نفوذ ایران، کاربرد نام دروغین برای خلیج فارس، پشتیبانی از ادعاهای بی پایه امارات عربی متحده نسبت به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی و نظام امنیتی خلیج فارس نقشی برجسته بازی کرده است. این سیاست چه در دوران ناصر و چه در دوران حسنى مبارك خوشایند ایران نبوده و تهران همواره با حضور مصر در این منطقه سخت مخالفت کرده

○ موضع مصر، در زمینه جزایر سه گانه ایرانی، برخلاف موضع آن کشور در ۱۹۷۱ یعنی هنگامی است که این جزایر به ایران بازگشت. مصر در آن سال در برابر بازگشت این جزایر به ایران سکوت کرد و در شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب با رفتاری منطقی، جلو کشورهای تندرو عرب را گرفت.

○ امارات عربی متّحده سخت می کوشد مانع بهبود روابط ایران و مصر شود. این شیخ نشین کوچک برای نزدیکتر شدن به مصر، سرمایه گذاری در يك مجتمع پتروشیمی در کرانه های دریای مدیترانه را به ارزش ۱/۲ میلیارد دلار پیشنهاد کرده است. بهتر است مصر فریفته پیشنهاد های امارات عربی متّحده نشود و همان سیاستی را که در قبال جزایر ایرانی تنب و ابوموسی در ۱۹۷۱ در پیش گرفته بود، اینک نیز ادامه دهد.

۱. دیدگاه ایران

واکنش ایران به این ساختار امنیتی بسیار تند بود. ایران حضور مصر در پیمان ۶+۲ را تهاجمی به منافع قانونی و مشروع خود می دانست و از همین رو با اعلامیه دمشق سخت برخورد کرد و ناخرسندی خود از دخالت هر کشور بیگانه در امنیت خلیج فارس ابراز داشت و این برخورد قاطع یکی از عللی بود که کارآیی اعلامیه دمشق را از میان برد. ایران به دلایل زیر با اعلامیه دمشق مخالفت کرد:

۱. مصر و سوریه گذشته از اینکه در شمار کشورهای منطقه خلیج فارس نیستند، با مشکلاتی دست به گریبانند که مانع از نقش فعال آنها در برقراری امنیت در خلیج فارس می شود.

۲. اعلامیه دمشق بر ضد اصول امنیت ملی ایران بود. این اعلامیه ایران را از ترتیبات امنیتی خلیج فارس دور نگه داشته بود، در حالی که ایران بزرگترین کشور خلیج فارس از نظر جمعیت، طول ساحل و نیروهای نظامی بود و نادیده انگاشتن نقش ایران نمی توانست به پایداری امنیت این منطقه کمک کند. آیا منطقی بود که مصر و سوریه با فاصله ای دراز از خلیج فارس، در ترتیبات امنیتی آن شرکت کنند، اما ایران بعنوان بزرگترین

سال در برابر بازگشت این جزایر به ایران سکوت کرد و در شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب با رفتاری منطقی، جلو کشورهای تندرو عرب را گرفت.

۴. امارات عربی متّحده سخت می کوشد که مانع بهبود روابط ایران و مصر شود. این شیخ نشین کوچک برای نزدیکتر شدن به مصر، سرمایه گذاری در يك مجتمع پتروشیمی در کرانه های دریای مدیترانه را به ارزش ۱/۲ میلیارد دلار پیشنهاد کرده است. بهتر است مصر فریفته پیشنهاد های امارات عربی متّحده نشود و همان سیاستی را که در قبال جزایر ایرانی تنب و ابوموسی در ۱۹۷۱ در پیش گرفته بود، اینک نیز ادامه دهد.

۵. در صورت ادامه یافتن پشتیبانی مصر از ادعاهای بی پایه امارات عربی متّحده، آنهم در برابر رفتار آشتی جویانه و دوستانه ایران با اعراب، بی گمان ایرانیان به این نتیجه خواهند رسید که تلاش های ایران برای نزدیکی به اعراب بی فایده است و خطر آنها برای یکپارچگی سرزمینی ایران همچنان باقی است.

مصر و ترتیبات امنیتی در خلیج فارس

مصر می خواهد در ترتیبات امنیتی خلیج فارس نقش داشته باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در چارچوب آموزه کارتر، مصر برای گرفتن جای ایران در استراتژی دوستانه آمریکا در منطقه نامزد شد. اما آن کشور پس از امضای پیمان کمپ دیوید از سوی کشورهای عربی تحریم شد، حتی مرکز اتحادیه عرب از قاهره به تونس انتقال یافت.

با یورش نیروهای عراق به کویت در ۱۹۹۰، راه برای مشارکت مصر در ترتیبات امنیتی خلیج فارس باز شد. بر پایه اعلامیه دمشق موسوم به ۶+۲ نقشی برای مصر و سوریه در کنار اعضای شورای همکاری خلیج فارس در برقراری امنیت منطقه در نظر گرفته شد. از همین رو مصر و سوریه ملزم شدند نیروهای خود را که در عملیات توفان صحرا شرکت کرده بودند، بعنوان هسته اصلی نیروهای حافظ صلح عرب در شبه جزیره عربستان نگهدارند. در برابر، قرار شد ۱۰ میلیارد دلار به مصر و سوریه تهیدست اما مسلح کمک شود.

مدعی است که حضور ایران تضمین کننده امنیت کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس نبوده است؛ برای نمونه ایران نتوانسته است جلوی یورش عراق به کویت را بگیرد. گذشته از آن، میراث برج مانده میان ایرانیان و عربان در گذشته، مانع از آن شده تا ایران با زیربنای ایدئولوژیک و فرهنگی بتواند دوست کشورهای عربی خلیج فارس شمرده شود و این کشورها به آن تکیه کنند.^{۱۵}

مصریان می گویند ایران در حالی حضور مصر در این منطقه را پذیرا نیست که ناوگان آمریکا در آنجا حضور دارد و ایران به آن رضایت داده است. چنانچه بپذیریم که حضور مصر در این منطقه تهدیدی برای ایران است، با حضور گسترده آمریکا در منطقه و محاصره اقتصادی ایران، چه پاسخی به این پرسش می توان داد که آیا حضور مصر در خلیج فارس تهدید است یا حضور آمریکا؟^{۱۶} البته مصریان این نکته را نادیده می گیرند که ایران به حضور آمریکا نیز رضایت نداده و با آن مخالفت کرده است.

با کینام شرقاوی می گوید که دیدگاه مصر بر روابط اندام وار میان امنیت ملی مصر و امنیت ناسیونالیستی عربی استوار است. تجربه های تاریخی نشان می دهد در دوره هایی که مصر از خانواده اعراب کنار گذاشته شده، ضریب احساس امنیت میان دو طرف کاهش یافته است. وی می افزاید مصر در اعلامیه های خود بر عربی بودن نظام امنیتی خلیج فارس تأکید می کرد و هرگونه نظام امنیتی با مشارکت ایران را به علت نابرابری قدرت ایران و کشورهای خلیج فارس برای آنها خطرناک می دانست. مصر حکومت اسلامی ایران را تهدیدی برای امنیت کشورهای منطقه می داند.^{۱۷}

از دید احمد هاشم نویسنده دیگر مصری، فرمول ۲+۶ از نظر مصر، به گونه ضمنی بر ضد ایران نیز بوده و هدف آن قرتیپنه کردن ایران و حتی خنثی سازی باصطلاح «شرارت های» آن بوده است.^{۱۸} عبدالمنعم سعید رئیس مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام نیز می گوید که با این دیدگاه ایران که مصر منافع امنیتی در خلیج فارس ندارد. موافق نیست. وی می افزاید «این خلاف واقع است که امنیت منطقه فقط به کشورهای منطقه مربوط می شود. مهم این است که دو کشور در مورد مسأله امنیت منطقه به یکدیگر اعتماد داشته باشند. اعتماد و همکاری دو کشور می تواند به کاهش یا خاتمه دادن به نفوذ قدرتهای

○ در صورت ادامه یافتن پشتیبانی مصر از ادعاهای بی پایه امارات عربی متحده، آنها در برابر رفتار آشتی جویانه و دوستانه ایران با اعراب، بی گمان ایرانیان به این نتیجه خواهند رسید که تلاش های ایران برای نزدیکی به اعراب بی فایده است و خطر آنها برای یکپارچگی سرزمینی ایران همچنان باقی است.

کشور منطقه خلیج فارس از این ترتیبات دور نگه داشته شود؟ چگونه ممکن است مصر و سوریه نگران امنیت خلیج فارس باشند و ایران در این زمینه نگرانی نداشته باشد؟

۳. ایران معتقد بود که مصر نه تنها رقیب و مانع نفوذ ایران در منطقه است، بلکه در سایه روابط نزدیک قاهره و واشنگتن، شرکت مصر در پیمان دمشق می تواند یکی از نشانه های برجسته حضور بیگانه در منطقه خلیج فارس باشد. به هر رو، ایران بر این باور بود که اختلاف دو کشور در این زمینه، به حضور نیروهای بیگانه در منطقه می انجامد.

ایران بر این باور است که مصر بر پایه همکاری با ایران بهتر می تواند منافع خود را در خلیج فارس تأمین کند. تجربه تاریخی این نکته را تأیید می کند. جمال عبدالناصر از دخالت های خود در خلیج فارس و شوراندن اعراب این منطقه بر ایران نتیجه نگرفت، در حالی که جانشینش انور سادات، از راه دوستی با ایران سود بسیار برد و توانست نزدیک به یک میلیارد دلار کمک های اقتصادی از ایران دریافت کند. منافع مصر در خلیج فارس در صورتی بهتر تأمین می شود که مصر از ادعاهای بی پایه تاریخی پشتیبانی نکند، به استقلال و یکپارچگی سرزمینی کشورهای منطقه خلیج فارس احترام بگذارد و از دخالت در امور داخلی آنها بپرهیزد.

۲. دیدگاه مصر

اما مصریان نگاه دیگری به نظام امنیتی خلیج فارس دارند که از تجربه ها در این منطقه ریشه گرفته است. مصر

۱۹۹۱ رئیس‌جمهوری ایران در رأس يك هیأت ۱۵۰ نفری دربرگیرنده ۶ وزیر و ۸۰ تن از مقامات سیاسی، نظامی و امنیتی از سودان دیدار کرد. در این سفر ۳ پروتکل در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی به امضاء رسید.

آنچه بیشتر موجب نگرانی مصر شده، همکاری‌های نظامی و امنیتی ایران و سودان است. مصر ادعا می‌کند که ایران تجهیزات نظامی و از جمله هواپیماهای نظامی در اختیار سودان گذاشته است. به نوشته مطبوعات مصر، در ژوئن ۱۹۹۲ قراردادی ۲۵ ساله که قابل تمدید برای ۱۵ سال دیگر نیز هست بین ایران و سودان امضاء شده که بر پایه آن ایران می‌تواند از بندر سودان برای مقاصد نظامی و غیرنظامی استفاده کند. روزنامه مصری الوفد ادعا کرد که ۸ ناو ایرانی همراه با چند مین جمع کن در بندر سودان پهلو گرفته‌اند و ۲۰۰۰ سرباز ایرانی نیز در منطقه «حیا» نزدیک بندر سودان مستقر شده‌اند. در مارس ۱۹۹۳ حسنی مبارک رئیس‌جمهوری مصر گفت اطلاعاتی در دست دارد مبنی بر اینکه کشتی‌های جنگی ایران در

فرمانطقه‌ای کمک‌کند».^{۱۹} شکاف میان ایران و مصر در مورد نظام امنیتی منطقه در همایش روابط ایران و مصر در قاهره در سال ۲۰۰۱ به خوبی آشکار بود.

با این حال، پس از ناکامی بیانیة دمشق و کنار گذاشته شدن مصر از ترتیبات امنیتی خلیج فارس از سوی آمریکا، یکباره نظر مصر دگرگون شد. پس از آن، به گفته شرقاوی، مصر اعلام کرد که «امنیت خلیج فارس مربوط به کشورهای منطقه است».^{۲۰} حتی دینا عزت نویسنده دیگر مصری گامی فراتر نهاد و آشکارا نوشت: «مصر، سوریه و ایران از اینکه در ترتیبات امنیتی تازه خلیج فارس که از سوی آمریکا ایجاد شده، کنار گذاشته شده‌اند، در احساس ناراحتی با یکدیگر شریک هستند».^{۲۱}

سودان: کانون رقابت ایران و مصر

گسترش روابط ایران و سودان یکی از علل بهبود نیافتن روابط ایران و مصر است. از دید باکینام شرقاوی، مصر گسترش روابط ایران با سودان را گسترش نفوذ ایران در مناطق دور دست و فراتر از میدان نفوذ حیاتی و سنتی آن و تلاش برای ائتلاف برضد مصر در مرز جنوبی خود می‌داند و از آن نگران است.

برای مصر هم سودان و هم ایران اهمیت دارند: سودان، به این دلیل که منبع آب رود نیل است و از دید استراتژیک در جنوب مصر واقع شده است؛ ایران نیز از آن رو که یک قدرت سیاسی بزرگ منطقه‌ای است و نقش برجسته‌ای در کشمکش اعراب و اسرائیل بازی می‌کند. همچنین ایران یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس است، جایی که مصر در آن منافع استراتژیک دارد.

این نظر در قاهره وجود دارد که اگر رود نیل مشکل داشته باشد، مصر مشکل دارد.^{۲۲} پتروس غالی دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد در ۱۹۸۹ در کنگره آمریکا گفت که امنیت ملی مصر در دست ۸ کشور آفریقایی است که در حوزه آبریز رود نیل قرار گرفته‌اند و در این میان نقش سودان از همه برجسته‌تر است، زیرا رود نیل از سودان به مصر می‌رسد و سودان مهار آن را در دست دارد.^{۲۳}

روابط ایران و سودان با به قدرت رسیدن عمر بشیر بیش از پیش گسترش یافت. وی در ۱۹۹۰ به ایران سفر کرد و در اعلامیه مشترکی که انتشار یافت، دو طرف علاقه خود را به گسترش روابط اعلام کردند. در اواخر دسامبر

○ اعلامیه دمشق برضد اصول امنیت ملی ایران بود. این اعلامیه ایران را از ترتیبات امنیتی خلیج فارس دور نگه داشته بود، در حالی که ایران بزرگترین کشور خلیج فارس از نظر جمعیت، طول ساحل و نیروهای نظامی است و نادیده انگاشتن نقش ایران نمی‌تواند به پایداری امنیت این منطقه کمک کند. آیا منطقی بود که مصر و سوریه با فاصله‌ای دراز از خلیج فارس، در ترتیبات امنیتی آن شرکت کنند، اما ایران بعنوان بزرگترین کشور منطقه خلیج فارس از این ترتیبات دور نگه داشته شود؟ چگونه ممکن است مصر و سوریه نگران امنیت خلیج فارس باشند و ایران در این زمینه نگرانی نداشته باشد؟

گسترش روابط سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی ایران و سودان در واقع پاسخی به مصر و یادآور این نکته بوده است که درگیر شدن مصر در مسایل خلیج فارس، حضور ایران در دریای سرخ را به دنبال دارد. مصر نسبت به حضور ایران در دریای سرخ، حوزه رود نیل و شرق آفریقا حساسیت دارد و آنرا ناهمخوان با منافع ملی خود می‌داند زیرا به گونه سنتی، آن مناطق را حوزه نفوذ مصر می‌شمارد. مصریان، حضور ایران در آن مناطق را گونه‌ای فشار بر آن کشور ارزیابی می‌کنند تا از مداخله در امنیت خلیج فارس چشم‌پوشی شود.

از سوی دیگر مصر ادعا می‌کند که ایران با دادن کمکهای مالی و نظامی به سودان می‌خواهد آن کشور را به صورت یک قدرت منطقه‌ای چشمگیر در برابر مصر در شرق آفریقا و دریای سرخ درآورد. به ادعای مصر هدف ایران از گسترش روابط ایران با سودان، ایجاد یک محور ضد مصر است. ایران همه این گزارشها و ادعاها را رد و اعلام کرده است که همکاری‌های آن با سودان، بر ضد کشورهای دیگر نیست.

از سوی دیگر، سودان نیز در این میان فرصت طلبانه عمل کرده است. هرگاه که روابطش با مصر بحرانی شده، بی‌درنگ بعنوان یک اهرم فشار بر ضد مصر، به ایران روی آورده و روابط خود را با ایران تقویت کرده است. سودان گذشته از مصر با دیگر همسایگان خود نیز اختلاف دارد و از این رو نیازمند دوستی ایران است اما ایران از این سیاست سودان زیان بسیار دیده است: گذشته از اینکه روابط ایران با همه همسایگان سودان به تیرگی گراییده، به گفته یکی از تحلیلگران، ایران میلیاردها تومان در سودان هزینه کرده که کمترین نتیجه‌ای نداشته است.^{۲۴}

خوب است که ایران در روابط خود با مصر و سودان به نکات زیر توجه کند:

۱. ایران باید در روابط خود با سودان و مصر توازن پدید آورد؛ همچنین از تیره شدن روابط خود با همسایگان سودان جلوگیری کند. در این زمینه بهترین راه در اختلافات سودان و همسایگان دست به میانگیری بزند نه اینکه مداخله کند یا جانب سودان را بگیرد.

۲. ایران منافع حیاتی در حوزه دریای سرخ و شرق آفریقا دارد و باید بهترین راه را برای تأمین منافع خود در نظر گیرد.

۳. اسرائیل در ایجاد تنش و گسترش آن در میان

اطراف بندر سودان در ۱۰۰ کیلومتری جنوب منطقه مرزی حلایب در پشتیبانی از سودان به حالت آماده باش درآمده‌اند. در آن هنگام اختلاف مصر و سودان بر سر منطقه حلایب شدت گرفته بود.

از سوی دیگر، مصر مدعی است که ایران و سودان از اسلام‌گرایان مبارز مصری پشتیبانی می‌کنند. احمد هاشم از تحلیل‌گران استراتژیک مصر می‌نویسد ایران در سودان پایگاه‌هایی برای بنیادگران برپا کرده است که می‌تواند همچون یک اسب تروا برای درهم ریختن ثبات مصر و کشورهای شمال آفریقا باشد.

به ادعای مصریان، تروریست‌هایی که از سوی ایران و سودان پشتیبانی مالی و لجستیکی می‌شوند، بر اقتصاد مصر در بخش‌های جهانگردی، کشاورزی و صنعت اثر گذاشته‌اند. کارهای تروریستی بر بخش جهانگردی مصر سخت اثر گذاشته و درآمد مصر را از این راه کاهش داده است؛ درحالی که می‌دانیم ایران کشتار جهانگردان خارجی در مصر را محکوم کرده است.

○ ایران بر این باور است که مصر بر پایه همکاری با ایران بهتر می‌تواند منافع خود را در خلیج فارس تأمین کند. تجربه تاریخی این نکته را تأیید می‌کند. جمال عبدالناصر از دخالت‌های خود در خلیج فارس و شوراندن اعراب این منطقه بر ایران نتیجه نگرفت، در حالی که جان‌شینش انور سادات، از راه دوستی با ایران سود بسیار برد و توانست نزدیک به یک میلیارد دلار کمک‌های اقتصادی از ایران دریافت کند. منافع مصر در خلیج فارس در صورتی بهتر تأمین می‌شود که مصر از ادعاهای بی‌پایه تاریخی پشتیبانی نکند، به استقلال و یکپارچگی سرزمینی کشورهای منطقه خلیج فارس احترام بگذارد و از دخالت در امور داخلی آنها پرهیزد.

○ گسترش روابط ایران و سودان یکی از علل بهبود نیافتن روابط ایران و مصر است. از دید باکینام شرقاوی، مصر گسترش روابط ایران با سودان را گسترش نفوذ ایران در مناطق دور دست و فراتر از میدان نفوذ حیاتی و سنتی آن و تلاش برای ائتلاف بر ضد مصر در مرز جنوبی خود می‌داند و از آن نگران است.

وی با مقامات ترکیه از جهت بر طرف شدن نگرانیهای مصر دربارهٔ پیمان یاد شده، موفق نبود. از این رو وی پس از بازگشت به مصر، در گزارشی به رئیس جمهوری مصر، خواستار بهبود روابط ایران و مصر شد. وی در گزارش خود نوشت: «محور تقارن قاهره - تهران گامی در جهت بازسازی توازن قوا در منطقه در برابر ائتلافهای جدید از قبیل توافقنامه اسرائیل و ترکیه است.»^{۲۹}

از سوی دیگر، پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل امنیت ملی ایران را نیز مورد تهدید قرار داده است. این پیمان به اسرائیل اجازه می‌دهد با حضور نظامی در مرزهای باختری ایران نقاط حیاتی و استراتژیک ایران را به گونهٔ مستقیم تهدید کند. گذشته از آن، اسرائیل با حضور در مرزهای باختری ایران برخوردار شده است. خلبانان اسرائیلی بر پایهٔ طرح موسوم به «فضای باز» بر فراز خاک ترکیه تمرین برای حملهٔ نظامی به ایران را آغاز کرده‌اند. مارتین کرامر مدیر انستیتوی دایان در تل‌آویو می‌گوید: «پیمان ترکیه و اسرائیل یک پیمان تشریفاتی نیست، بلکه پیمانی استراتژیک با ابعادی وسیع است که اگر لازم باشد بر اساس آن اسرائیل قادر خواهد بود برای تأمین امنیت خود، اهدافی را در ایران مورد حمله قرار دهد.»^{۳۰} این مسأله بی‌گمان نگرانیهایی برای ایران در حوزهٔ نظامی پدید آورده است.^{۳۱}

بدین‌سان، پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل موجب نگرانی ایران و مصر شد. این پیمان و نیز برکناری دولت اسلام‌گرای اربکان، گرایش ایران به همکاری با مصر را بیشتر کرد. ایران بارها همکاری‌های نظامی ترکیه و

کشورهای منطقه نقش دارد. از این رو ایران باید به این نکته توجه کند که درگیری در منطقه به زیان آن و دیگر کشورهای منطقه و تنها به سود اسرائیل است.

پیمان استراتژیک اسرائیل و ترکیه و نزدیکی ایران و مصر

پیمان اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل در بهبود روابط ایران و مصر مؤثر بوده است. ترکیه و اسرائیل در ۱۹۹۵ یک پیمان همکاری نظامی استراتژیک امضاء کردند و همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل فشار بر سوریه، ایران و مصر را افزایش داد.

مصر پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل را عامل برهم زندهٔ موازنهٔ قدرت در منطقه می‌داند و آن را نه تنها خطری برای امنیت ملی مصر، بلکه برای امنیت همهٔ کشورهای عرب می‌شمارد. از همین رو عمرو موسی وزیر امور خارجهٔ مصر ضمن محکوم کردن این پیمان به ترکیه هشدار داد که «هرگونه تجاوز به منافع اعراب، تاوان سنگینی خواهد داشت.»^{۲۵}

قاهره همچنین احساس می‌کند که پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل، موقعیت راهبردی آنرا در منطقه در معرض تهدید قرار داده و این نکته بویژه در شرایطی که سوریه با داشتن امکانات بالقوهٔ تضعیف شده است، مصر را بیشتر نگران می‌کند. در همین راستا وزیر امور خارجهٔ مصر اعلام کرد که «دوران پیمان‌های نظامی سپری شده است و در صورت تداوم قراردادهای نظامی میان آنکارا و تل‌آویو، سایر کشورهای منطقه ناچارند برای مقابله با آن ائتلاف نظامی تشکیل دهند.»^{۲۶}

باکینام شرقاوی می‌نویسد: «پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل، رهبران مصر را به بازنگری در روابط آن کشور با ایران با هدف ایجاد موازنه قدرت در منطقه ترغیب نمود.»^{۲۷} ایران با داشتن توان نظامی چشمگیر، از دید مصریان می‌تواند در خاورمیانه موازنهٔ نیروها را برقرار کند. عمادالجماد کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک مصر نوشت: «به دنبال گسترش روابط نظامی ترکیه و اسرائیل، رئیس جمهوری مصر در حال بررسی امکان همکاری‌های نظامی میان تهران و قاهره است.»^{۲۸}

عمرو موسی وزیر امور خارجهٔ مصر پس از امضای پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل، به آنکارا رفت. گفتگوهای

به گونه چشمگیر بهبود یافت. بیطرفی ایران در جریان اشغال کویت از سوی نیروهای عراقی و خویشن داری آن در برخورد با گروه‌های دیگر، در بازسازی روابط ایران و کشورهای یاد شده بسیار مؤثر بود.

در این میان روابط ایران و عربستان بسیار گسترش یافت. هاشمی رفسنجانی و سید محمد خاتمی از عربستان دیدار کردند و یک پیمان امنیتی که در روابط دو کشور بی سابقه بود به امضاء رسید. اما مهمترین موفقیت در گسترش روابط، همکاری ایران و عربستان در جلوگیری از کاهش بهای نفت بود. در ۱۷ مارس ۱۹۹۸ قیمت‌های نفت به زیر ۱۳ دلار برای هر بشکه رسید که پایین‌ترین قیمت در یک دهه بود. پس از آن دو کشور در مورد راههای جلوگیری از کاهش بهای نفت به توافق رسیدند و همکاری آنها در این زمینه سبب افزایش بهای نفت شد.

پس از گسترش روابط ایران و عربستان و روشن شدن پیامدهای سودمند آن، مصر شرایط را برای بهبود روابط با ایران مناسب یافت و سخنی از شرط و شروط برای بازگشت روابط به میان نیاورد. ۳۲ روزنامه «الاهرام» ضمن فراخواندن مصر به از سرگیری مناسبات کامل دیپلماتیک با ایران نوشت: «آشتی ملموس و نزدیکی در روابط ایران و عربستان سعودی چندین پرسش اساسی در مورد علل انجماد و ایستاد بودن مناسبات ایران و مصر را مطرح می‌نماید.» این روزنامه سپس به گونه تلویحی به تلاشهای آمریکا و اسرائیل برای جلوگیری از بهبود روابط ایران و مصر اشاره کرد و نوشت: «تلاش‌های آمریکا و اسرائیل برای برهم زدن روابط ایران با عربستان سعودی و توطئه اتهام به ایران در بمب‌گذاری مجتمع نظامی خبیر در عربستان به شکست انجامید و روابط دو کشور به گونه‌ای گسترش یافته که منجر به امضای موافقتنامه امنیتی میان ایران و عربستان شده است. درحالی‌که روابط ایران و مصر به دلایل غیرقابل درک همچنان منجمد باقی مانده است.»^{۳۳}

عربستان به علت درآمدهای سرشار نفت، از دید اقتصادی وضع خوبی دارد و نیازمند کمکهای اقتصادی آمریکا نیست، بلکه آمریکا به نفت عربستان نیاز دارد. این وضع سبب شده است که عربستان بتواند در برابر آمریکا تا اندازه‌ای استقلال عمل نشان دهد به گونه‌ای که خشم آمریکایی‌ها برانگیخته شود؛ درحالی‌که مصر از دید

○ گسترش روابط سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی ایران و سودان در واقع پاسخی به مصر و یادآور این نکته بوده است که درگیر شدن مصر در مسایل خلیج فارس، حضور ایران در دریای سرخ را به دنبال دارد. مصر نسبت به حضور ایران در دریای سرخ، حوزه رود نیل و شرق آفریقا حساسیت دارد و آنرا ناهمخوان با منافع ملی خود می‌داند زیرا به گونه سنتی، آن مناطق را حوزه نفوذ مصر می‌شمارد. مصریان، حضور ایران در آن مناطق را گونه‌ای فشار بر آن کشور ارزیابی می‌کنند تا از مداخله در امنیت خلیج فارس چشم‌پوشد.

اسرائیل را محکوم کرد و این امر مورد استقبال مصر قرار گرفت. عمرو موسی وزیر امور خارجه مصر، بیانیه تهران درباره همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل را نمایانگر دیدگاه‌های همه کشورهای اسلامی دانست. پس از آن، ایران و مصر در تنظیم بیانیه کنفرانس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران در سال ۱۹۹۷ که همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل را محکوم می‌نمود، همکاری کردند.

تجدید روابط ایران و عربستان و

نزدیکی مصر به ایران

عامل مؤثر دیگر در بهبود روابط ایران و مصر، تجدید روابط ایران با عربستان و الجزایر بوده است. روابط ایران و عربستان که پس از کشتار نزدیک به ۴۰۰ زائر ایرانی قطع گردیده بود، از سر گرفته شد. روابط ایران و الجزایر نیز که به دنبال طرح اتهام پشتیبانی ایران از جبهه نجات اسلامی الجزایر قطع شده بود، از سر گرفته شد. همچنین روابط ایران با اردن که پس از پشتیبانی آن کشور از عراق در جنگ ۸ ساله قطع شده بود، نه تنها از سر گرفته شد بلکه

بگذارد. مهمترین نکات در این طرح عبارت بود از:

۱. چشم‌پوشی سوریه از ادعاهای تاریخی خود بر استان اسکندرون؛
۲. به رسمیت شناختن مرزهای کنونی میان دو کشور؛
۳. اخراج و تحویل عبدالله اوج آلان رهبر پ.ک.ک. و پشتیبانی نکردن سوریه از آن حزب.

دیپلماسی ایران و مصر در جریان بحران ۱۹۹۸ بین سوریه و ترکیه هر چند اختلافها را یکسره از میان نبرد، اما از بروز جنگ جلوگیری کرد. بحران در روابط سوریه و ترکیه که تا آستانه جنگ پیش رفت، در راستای منافع اسرائیل بود و دست تل آویو در آن دیده می‌شد. هدف اسرائیل از این رفتار، تضعیف سوریه، وارد کردن فشار بر ایران و تضعیف موقعیت مصر در منطقه بود. بدین‌سان ایران و مصر در معرض تهدیدات مشترک قرار گرفته بودند و از همین‌رو برای فرو نشاندن بحران دست به میانجیگری زدند.

ایران و مصر و مسأله فلسطین

ایران و مصر در مورد ضرورت احقاق حقوق مشروع فلسطینیان و برپایی دولت مستقل فلسطین با پایتختی

○ آمریکا با کمک به اقتصاد مصر و ساختار دفاعی متعارف آن، نقش آن کشور را در منطقه به رسمیت شناخته است. این در حالی است که آمریکا با تحریم اقتصادی ایران و پیگیری سیاست «مهار دو سوویه» برای تضعیف نقش منطقه‌ای ایران و منزوی و محاصره کردن آن کوشیده است. بدین‌سان، سیاست آمریکادر این راستا است که روابط ایران و مصر همچنان سرد بماند: وضعی که نه تنها به سود آمریکا، که به سود همپیمان استراتژیک آن یعنی اسرائیل است.

اقتصادی به کمک‌های آمریکا نیاز دارد و این مسأله از استقلال عمل آن در سیاست خارجی می‌کاهد.

بحران در روابط سوریه و ترکیه و

نزدیکی ایران و مصر

بروز بحران در روابط سوریه و ترکیه در ۱۹۹۸ به نزدیک‌تر شدن ایران و مصر به یکدیگر انجامید و نشان داد که همکاریهای ایران و مصر برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای می‌تواند دو کشور را به هم نزدیک کند. دو نمونه روشن دیگر، تلاشهای ایران و مصر برای کاهش بحران کوزوو و توافق ایران و عربستان برای جلوگیری از کاهش بهای نفت بود. تلاشهای مشترک ایران و مصر در جریان بحران روابط سوریه و ترکیه که تا مرحله تهدیدهای نظامی پیش رفت موجب شد که بحران فروکش کند.

اختلاف ترکیه و سوریه بر سر منطقه هاتای یا اسکندرون و پشتیبانی سوریه از کردهای ترکیه بود. در ژوئن ۱۹۹۸ که شصتمین سالگرد الحاق اسکندرون به ترکیه در آن کشور جشن گرفته شده بود، محمد سلیمان وزیر اطلاعات سوریه در مصاحبه‌ای اعلام کرد که دمشق از ادعاهای خود بر ایالت اسکندرون که ۶۰ سال پیش از آن به ترکیه واگذار شده، چشم‌پوشی نکرده است. پس از این سخنان، سلیمان دمیرل از استان هاتای دیدن کرد و در سخنرانی خود در دانشگاه آن شهر گفت که وظیفه وی بعنوان رئیس جمهوری ترکیه پایان دادن به تهدیدهایی است که متوجه یکپارچگی سرزمینی و امنیت ترکیه است.^{۳۲} پس از آن نیروهای نظامی دو کشور در مرز مشترک به حالت آماده‌باش درآمدند و احتمال جنگ افزایش یافت و ایران و مصر به میانجیگری پرداختند. رئیس‌جمهوری ایران با حافظ اسد رئیس‌جمهوری سوریه و سلیمان دمیرل رئیس‌جمهوری ترکیه، تلفنی گفتگو کرد و خواهان مذاکره دو طرف برای حل مسالمت‌آمیز اختلافها شد. رئیس‌جمهوری ایران در آن هنگام ریاست دوره‌ای سازمان کنفرانس اسلامی را داشت.

حسنى مبارك رئيس جمهورية مصر نیز به آنکارا رفت و برای حل مسالمت‌آمیز بحران با رهبران ترکیه به گفتگو نشست. در جریان این سفر، ترکیه طرحی ۶ ماده‌ای پیشنهاد کرد که حسنى مبارك آنرا با رهبران سوریه در میان

قدس، نظرات یکسان دارند. در نشست سران کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در تهران در ۱۹۹۷ موضع تهران در برابر روند گفتگوهای صلح به موضع عمومی مصر نزدیک تر شد؛ با این حال دو کشور درباره روشها اختلاف نظر دارند. اختلاف تهران و قاهره در جریان انتفاضه دوم فلسطین آشکارتر شد. تهران بر تداوم مقاومت و پشتیبانی همه جانبه از انتفاضه تأکید می کند در حالی که قاهره سیاست «تعديل» و «تمکين» را در دستور کار دارد.

خاتمی در دیدار با عمرو موسی وزیر امور خارجه مصر گفت: «ما مخالفت خودمان را با روند سازش خاورمیانه اعلام کرده ایم، به علت اینکه معتقدیم به نتیجه نمی رسد و به دشواری می توان با اسرائیل کنار آمد. اما به صراحت اعلام کرده ایم که نظر خودمان را به دیگران تحمیل نمی کنیم و در مقابل آنها نمی ایستیم. این حق فلسطینی ها است که درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند.»^{۳۵} در همین راستا خاتمی در نامه ای به یاسر عرفات اطمینان داد که ایران هرگونه راه حل را که فلسطینی ها برای منازعه خاورمیانه بپذیرند، محترم خواهد شمرد.^{۳۶}

مصر نیز هرچند بر پایه پیمان صلح با اسرائیل، سرزمین های خود را پس گرفته است، تا هنگامی که اختلاف کشورهای عربی بویژه فلسطین با اسرائیل حل نشود، احساس امنیت نخواهد کرد، زیرا امنیت مصر با امنیت دیگر کشورهای عربی هم مرز با اسرائیل گره خورده است.

مصر در چارچوب نقش منطقه ای خود، از گفتگوهای صلح پشتیبانی و توقف عادی شدن روابط کشورهای عربی با اسرائیل تا تحقق یافتن صلح عادلانه و فراگیر را پیشنهاد می کند. مصر همچنین خواستار عقب نشینی اسرائیل از همه سرزمین های اشغال شده اعراب، برپایی دولت فلسطین با پایتختی قدس و توقف شهرک سازی است. مصر همواره تلاشهای اسرائیل برای نافرجام گذاشتن روند صلح، شانه خالی کردن از اجرای توافق های گذشته و سیاست شهرک سازی نکوهش کرده است.

مصر در اعتراض به اقدامات اسرائیل در بمباران غزه در سال ۲۰۰۰، سفیر خود را از اسرائیل فرا خواند. مصر در طول ۲۱ سال صلح خود با اسرائیل تنها یک بار سفیر خود را فرا خوانده بود. این کار در ۱۹۸۲ و در پاسخ

به تهاجم اسرائیل به لبنان صورت گرفت و سردی روابط ناشی از آن ۴ سال به درازا کشید.

واقعیت این است که مصر در مورد شیوه برخورد با جنبش فلسطینی ها بر سر دوراهی قرار دارد: از یک سو گرایش به خشمگین کردن آمریکا ندارد و از همین رو روابط سیاسی خود با اسرائیل را ادامه می دهد؛ از سوی دیگر دولت مصر از تظاهرات خیابانی به سود فلسطینی ها سخت نگران است، بویژه که رسانه های ماهواره ای با بخش اخبار مربوط به فلسطین بر افکار عمومی در مصر اثر می گذارند. ترور انور سادات در ۱۹۸۱ همواره در ذهن سیاستگذاران مصر زنده مانده است و بر چگونگی تصمیم گیری آنان اثر می گذارد.^{۳۷} خالد اسلامبولی در بازجویی های خود گفته بود که مهمترین علت کشتن سادات، صلح او با اسرائیل بوده است.^{۳۸}

بر همین پایه، مصر راه حل مسئله فلسطین را در مهار شدن فلسطینی ها و برگزاری نشست های دیپلماتیک می داند. در سایه این راهکار:

۱. مصر بعنوان کانون فعالیت های دیپلماتیک خاورمیانه مطرح می شود.

۲. مصر با افزودن بر حجم و دامنه لفاظی های سیاسی ضد اسرائیلی، از شک و تردید دیگران نسبت به وفاداری خود به آرمان فلسطین می کاهد.

کارشکنی اسرائیل در راه بهبود روابط ایران و مصر

اسرائیل در زمینه روابط ایران و مصر عاملی بسیار مؤثر بوده است. اسرائیل تاکنون دو بار سبب قطع روابط سیاسی ایران و مصر شده است: یکبار در ۱۹۶۰ و بار دیگر در ۱۹۷۹. نخستین بار، هنگامی که ایران اعلام کرد اسرائیل را به صورت دو فاکتو به رسمیت می شناسد، مصر روابط خود را با ایران قطع کرد. بار دوم در ۱۹۷۹ نیز ایران به علت امضای پیمان صلح میان مصر و اسرائیل، روابط سیاسی خود را با مصر قطع کرد.

از آن هنگام تاکنون، اسرائیل همواره کوشیده است مانع بهبود روابط ایران و مصر شود. ایران موجودیت اسرائیل را نمی پذیرد. از دید ایران، اسرائیل يك بیگانه در منطقه خاورمیانه است و عامل استعمار غرب و پاسدار وضع موجود شمرده می شود. اسرائیل نیز همواره ایران را مهمترین مایه خطر برای خود و کشورهای منطقه معرفی

○ اسرائیل در زمینه روابط ایران و مصر عاملی بسیار مؤثر بوده است. اسرائیل تاکنون دو بار سبب قطع روابط سیاسی ایران و مصر شده است: یکبار در ۱۹۶۰ و بار دیگر در ۱۹۷۹. نخستین بار، هنگامی که ایران اعلام کرد اسرائیل را به صورت دوفاکتو به رسمیت می شناسد، مصر روابط خود را با ایران قطع کرد؛ بار دوم در ۱۹۷۹ ایران به علت امضای پیمان صلح میان مصر و اسرائیل، روابط سیاسی خود را با مصر قطع کرد.

بسته و به آن پایبند است، روابط دو کشور در شرایط «صلح سرد» است. این وضع در نزدیک تر شدن ایران و مصر به یکدیگر مؤثر بوده است. آزاده معاونی از نخبگان مصری می گوید: «بهبود روابط ایران و مصر باید به گونه ای باشد که روابط مصر با اسرائیل را به مخاطره نیندازد و در ضمن مقامات ایران را نیز به عقلایی بودن این رویکرد مجاب کند.»^{۳۲}

مخالفت آمریکا با نزدیکی ایران و مصر

در باره نقش آمریکا در این زمینه دو نظر وجود دارد: کسانی بر این باورند که آمریکا در سردی روابط ایران و مصر نقشی ندارد. در برابر، گروهی دیگر معتقدند که آمریکا مانع بهبود روابط ایران و مصر است. در ایران و مصر، هر يك از این دو نظر طرفدارانی دارد.

تارق آتیا از نویسندگان هفته نامه مصری الاهرام می نویسد: این نظر که مصر اراده سیاسی برای از سرگیری روابط سیاسی رسمی با ایران را ندارد، زیرا به روابط آن با آمریکا لطمه می زند، درست به نظر نمی رسد زیرا از سر گرفته شدن روابط ایران و مصر بر روابط مصر با آمریکا اثر نمی گذارد. برای نمونه، روابط ایران و عربستان، با اینکه عربستان پیوندهایی بسیار نزدیک با آمریکا دارد و مسأله شیعه و سنی نیز ایران و عربستان را از هم جدا می کند، بهبود یافته است. به سخن دیگر، بهبود روابط دو

کرده است. اسرائیل می کوشد با تنش آفرینی در روابط ایران با دیگر کشورها، آنرا منزوی کند. اسرائیل از اینکه دو قدرت بزرگ منطقه یعنی مصر و ایران به یکدیگر نزدیک تر شوند نگران است زیرا اگر چنین شود، توازن نیروها در منطقه به زیان اسرائیل به هم خواهد خورد.

عماد الجاد پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک مصر می نویسد: «اسرائیل کوشش های زیادی برای جلوگیری از نزدیک تر شدن کشورهای منطقه به یکدیگر انجام داده است و یکی از موانعی که بر سر راه نزدیکی ایران و مصر وجود دارد، از اینجا نمایان می شود.»^{۳۹}

اسرائیل در تبلیغات خود، همواره ایران را خطری برای امنیت ملی مصر معرفی می کند و مدعی می شود که ایران از بنیادگرایان اسلامی مصر پشتیبانی می کند. اسرائیل ادعا می کند که «عملیات تروریستی» در مصر، از حمایت ایران برخوردار است. برای نمونه، روزنامه اسرائیلی جروزالم پست نوشت که ایران در قتل عام جهانگردان در الاقصر مصر دست داشته است. به ادعای این روزنامه، سفارت ایران در دمشق طراحی این عملیات را بر عهده داشته است.^{۴۰} در این رویداد در نوامبر ۱۹۹۷، دهها جهانگرد کشته شدند. سفیر آمریکا در اسرائیل نیز ایران را متهم کرد که در کشتار جهانگردان در مصر دخالت داشته است.

ایران این ادعا را بی پایه دانست و آنرا در راستای نگرانی اسرائیل از نزدیکی تهران و قاهره ارزیابی کرد. عمرو موسی وزیر امور خارجه مصر نیز در پاسخ ادعای مقامات اسرائیلی اعلام کرد که «هیچگونه مدرک یا سندی برای اثبات این ادعا وجود ندارد و این قبیل اطلاعات کاملاً از اعتبار ساقط است.»^{۴۱} به دنبال آن، روزنامه مصری الشعب سخنان وزیر امور خارجه مصر را پاسخی به توطئه تازه اسرائیل برای متوقف کردن روند نزدیکی تهران-قاهره خواند و آنرا ستود.

با این همه، چنان که گفته شد، ایران موجودیت اسرائیل را نامشروع می داند و خواستار برافتادن آن است، در حالی که مصر خواهان صلح با اسرائیل است. به سخن دیگر، مسأله استراتژیک در سیاست خارجی ایران نابودی اسرائیل است، در حالی که صلح با اسرائیل از مسایل استراتژیک در سیاست خارجی مصر به شمار می آید. بدین سان تفاوت دیدگاههای دو کشور در این زمینه بسیار ژرف است. گفتنی است که هر چند مصر با اسرائیل پیمان صلح

آمریکا است که ایران و مصر از هم دور باشند. جای شگفتی نیست که می‌بینیم این کشور همه تلاش خود را به کار گرفته است تا نگذارد ایران و مصر به تفاهم برسند.^{۴۹} با کینام شرقاوی هم می‌نویسد ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در ابعاد گوناگون همواره کوشیده‌اند این روابط را تخریب یا دچار رکود کنند.^{۵۰} حسنین هیکل نیز به دولت‌مردان قاهره سفارش می‌کند که در سیاست خارجی تسلیم آمریکا و اسرائیل نشوند.^{۵۱}

یکی از علل تأثیر واشنگتن بر تصمیمات قاهره این است که مصر با کمک آمریکا روی پای خود ایستاده است. به گفتهٔ یک شخصیت آگاه عرب، اگر آمریکا از فرستادن گندم به مصر دست بکشد، مصریان پس از ۸۰ روز، نانی برای خوردن نخواهند داشت.^{۵۲} از سوی دیگر، مصر پس از اسرائیل، دومین کشور دریافت‌کنندهٔ کمک‌های بلاعوض آمریکا است. آمریکا سالانه ۲/۲ میلیارد دلار به مصر کمک می‌کند. همچنین جنگ‌افزارهایی که مصر از آمریکا وارد می‌کند بیشتر از اسرائیل است.^{۵۳} از همین رو، با وجود احساسات ضد آمریکایی در ارتش مصر، این کشور به «روابط ویژه» خود با آمریکا ادامه داده است.^{۵۴}

گذشته از آن، لابی اعراب در آمریکا در طول ۲ دهه همواره مهم‌ترین منبع تبعیض بر ضد ایران در درون تشکیلات سیاست خارجی آمریکا بوده است.

به هر رو، آمریکا با کمک به اقتصاد مصر و ساختار دفاعی متعارف آن، نقش آن کشور را در منطقه به رسمیت شناخته است. این در حالی است که آمریکا با تحریم اقتصادی ایران و پیگیری سیاست «مهار دو سویه» برای تضعیف نقش منطقه‌ای ایران و منزوی و محاصره کردن آن کوشیده است. بدین سان، سیاست آمریکا در این راستا است که روابط ایران و مصر همچنان سرد بماند؛ وضعی که نه تنها به سود آمریکا، که به سود همپیمان استراتژیک آن یعنی اسرائیل است.

زیرنویس‌ها و یادداشت‌ها

۱. اصغر جعفری ولدانی، «مصر و خلیج فارس: از دیرباز تا کنون»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۳۲ (زمستان ۱۳۸۱)، ص ۹۵.
۲. همان، ۹۶.
۳. اصغر جعفری ولدانی، ژئوپولیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه،

کشور، بر مناسبات عربستان و آمریکا اثری نداشته است.^{۴۳} یک دیپلماتیک مصری نیز می‌گوید هنگامی که روابط ایران و عربستان گسترش یافت، ندیدیم که این مسأله بر روابط عربستان با آمریکا اثر بگذارد.^{۴۴}

در ایران نیز برخی کسان این نظر را تأیید می‌کنند. از دید آنان، روی آوردن مصر به ایران نه تنها موجب ناخرسندی آمریکا نیست، بلکه این امیدواری را در واشنگتن ایجاد می‌کند که نزدیکی عربان به ایران شاید بتواند به موازات تازه‌ای در منطقه بینجامد و اسرائیل را به خود آورد.^{۴۵} طرفداران این نظر معتقدند که مصر با آمریکا در برخی زمینه‌ها مانند مسائل جنوب سودان، آفریقا، همکاری‌های نظامی آمریکا و اسرائیل، طرح خاورمیانه بزرگ و اتهامات مشترک واشنگتن و تل‌آویو به قاهره در مورد کارشکنی در روند گفتگوهای صلح اختلاف نظر دارند.

با کینام شرقاوی استاد علوم سیاسی دانشگاه قاهره می‌گوید هر چند مصر همپیمان آمریکا است، اما در همان حال منافع مصر و آمریکا در مورد هژمونی اسرائیل بر منطقه یکی نیست.^{۴۶} مقامات مصری می‌گویند سیاست خارجی مصر در راستای منافع ملی آن کشور است و بر این اصل تأکید دارند. آنان برای نمونه می‌گویند با اینکه آمریکا بارها درخواست ایران برای عضویت در سازمان جهانی بازرگانی را وتو کرده است، اما مصر، برخلاف نظر آمریکا، نقش پشتیبان ایران را در این زمینه بازی کرده است.

مقامات مصری همچنین می‌گویند آمریکا از حقوق قبطی‌های مصر (اقلیت مسیحی) پشتیبانی می‌کند و این رفتار را دخالت در امور داخلی مصر می‌دانند و از آن ناخشنودند.^{۴۷} از ۶۵ میلیون جمعیت مصر ۳/۵ میلیون تن قبطی هستند. در درگیری قبطی‌ها و پلیس مصر در ژوئن ۲۰۰۱ نزدیک به ۷۰ تن زخمی شدند. قبطی‌ها ادعا می‌کنند که قربانی یک رشته تبعیضات شده‌اند.

در برابر، گروه دیگری بر این باورند که آمریکا خواهان از سر گرفته شدن روابط ایران و مصر نیست. محمود سریع‌القلم می‌نویسد: «تازمانی که ایران و آمریکا در مقابل هم هستند، بهبود واقعی روابط ایران با مصر عملی نخواهد بود و هر آنچه که صورت می‌پذیرد در قالب جوسازی‌های جدید و اقدامات ظاهری دیپلماتیک خواهد بود. لذا طرف اصلی ایران در این معادله، خود آمریکا خواهد بود.»^{۴۸}

فهمی هودی از نویسندگان مصری نیز می‌گوید به سود

۳۰. اطلاعات، ۹ مهر ۱۳۷۶
31. Michael Yansen, "Assad,s Travel", **Middle East International**, 8 Aug. 1997, p. 30
۳۲. الوسط، ۱۵ نوامبر ۱۹۹۹
۳۳. ایر، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۰
۳۴. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:
اصغر جعفری ولدانی، «اختلاف‌های سوریه و ترکیه بر سر منطقه هاتای»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۷۸)
۳۵. وزارت امور خارجه ایران، رخدادهای سیاسی ایران در سال ۱۳۷۶، (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱) ص ۱۷۷
۳۶. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱ (مرداد و شهریور ۱۳۷۷)، ص ۵۷
37. **Daily Star**, 18 August, 2001
38. Muhamad H. Heikal, **The Autumn of Fury** (London: Andre Deutch. 1983) p. 246
۳۹. اطلاعات، ۴ مرداد ۱۳۷۶
۴۰. اطلاعات، ۴ دیماه ۱۳۷۶
۴۱. سلام، ۱۴ دیماه ۱۳۷۶
42. Azadeh Moaveni, "Laying the demons to Rest", **Al-Ahram Weekly online** No. 488, 29 June-5 July 2000
43. Tarek Atia, "More than a street name", **Al-Ahram Weekly online**, 26 July- 1 August 2001 No. 544
44. **Ibid**
۴۵. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۰-۱۳۹ (فروردین، اردیبهشت ۱۳۷۸)، ص ۹
۴۶. شرقاوی، پیشین، ص ۱۰۲
47. Imad Boles, "Egypt-Persecution", **Middle East Quarterly** (Winter 2001) pp. 23-29
۴۸. محمود سریع‌القلم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹)، ص ۸۵
۴۹. ترجمان سیاسی، شماره ۳۴، ۱۲ مرداد ۱۳۷۹
۵۰. شرقاوی، پیشین، صص ۱۰۷-۸
۵۱. کیهان، ۱۱ تیرماه ۱۳۷۹
۵۲. اصغر جعفری ولدانی. روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)، (تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۲)، ص ۳۵
۵۳. المجله ۱۲ ژانویه ۲۰۰۱، به نقل از ترجمان سیاسی، شماره ۳۷، ۱۳۸۰، ص ۵
54. Josef Kechichian and Jean Nazimer, "Challenge To Military in Egypt", **Middle East policy**, Vol. V.No.3 (September 1997) p. 135
- ۱۳۸۱)، ص ۱۹۳
۴. اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹)، ص ۲۰۷
۵. همان، ص ۲۰۸
۶. روح‌الله رمضانی، چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی ایران، ترجمه علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰)، ص ۱۳۱
۷. گراهام فولر. قبله عالم ژئوپولیتیک ایران، ترجمه عباس مخیر، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳)، ص ۱۵۶
۸. احمد هاشم، «امنیّت ملی مصر و ایران و خلیج فارس»، ترجمه باقر نصیری، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۲۸۱
9. Asghar Jafari Valdani, "Iran- Iraq Relations in 1988-2003", **Iran Review**, No. 1, 2003
۱۰. فولر، پیشین، ص ۱۵۶
۱۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: اصغر جعفری ولدانی، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶)
۱۲. جمهوری اسلامی، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۶
۱۳. جمهوری اسلامی، ۳ آبان ۱۳۸۱
۱۴. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:
اصغر جعفری ولدانی، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، پیشین
۱۵. محمدرضاپور منصوری، «روابط ایران و مصر و ضرورت‌های جدید». بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره ۹۹، ص ۲۵
۱۶. همان
۱۷. شرقاوی، پیشین
۱۸. هاشم، پیشین، ص ۲۸۶
19. <http://www/ahram.Org.ed/Weekly/2001/544/eg5.Htm>.
۲۰. شرقاوی، پیشین، صص ۱۱۸-۱۹
21. Dina Ezzat, "A conditional Rapport", **Al-Ahram weekly**, No. 405, 62 Nov. 2Dec. 1998
22. **The Middle East**, Sep. 2001. p.14
23. John Buoch and Adel Darwish, **Water Wars: Future Conflicts in The Middle East** (London: 1993). p.5
۲۴. آینه جنوب، ۱۴ مرداد ۱۳۸۱
۲۵. ترجمان سیاسی، ۱۹ خرداد ۱۳۸۰، ص ۲۱
۲۶. اطلاعات، ۲۲ آبان ۱۳۷۸
۲۷. شرقاوی، پیشین، ص ۱۰۲
۲۸. اطلاعات، ۴ مرداد ۱۳۷۶
۲۹. سلام، ۱۳ خرداد ۱۳۷۵